

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدين بوم وېر زنده يک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبي - فرهنگي

ملک الشعراء
استاد محمد نسيم «اسير»

سوداي غربت

چه سخت است در ملک اغيار بودن
غريب و دل افگار و بیمار بودن
به پا ، نيش خار حقارت خلیدن
چنان زار بودن، چنين خوار بودن
به ادبار ، بار مذلت کشیدن
به دوش همه دوستان بار بودن
ز اوج سعادت فرو افتادن
به کنج مصيبت نگونسار بودن
زهر زخم چشمی به دل تیر خوردن
به هر گوشه در آستین مار بودن
به هر محفلی خویش را کم شمردن
به هر دیده بی قدر و مقدار بودن
به دل داشتن محنت تنگدستی
به سودای عالم گرفتار بودن
سخن های پائين و بالا شنیدن
چو لرزنده شمشاد، بی بار بودن
ز هر رنگ گل بارها خار خوردن
به چشمان همسايگان خار بودن
نه آزاد گفتن ، نه دلشاد خفتن
نه در خواب بودن، نه بيدار بودن
درين ملک سودا و وسواس کم نیست
دچار چنين رنج بسيار بودن
ترا تا ببينند ديوانه خوانند
چه لازم درين ملک هشيار بودن
به بازار مکارگان پا نهادن
به سر ، تا به قعر غم و درد رفتن
به ناچار آنجا خريدار بودن
به امید روز قَرَحبار بودن

عزیزان خود مفت از دست دادن درین حسرت، آزرده و زار بودن
چنین است آزرده‌گیهای غربت که بی پا و سر بر سر دار بودن
چه خوب است با این همه نامرادی بهم دوست بودن، بهم یار بودن
«اسیر» این نصیحت به یاران ضرورست
وطندار خود را مددگار بودن

(بن - المان، جنوری ۱۹۹۹ع)